

دش آکل کچه های خالی ست دلم

محموعه رباعی

حسین کریمی

سرشناسه: کریمی، حسین (شاعر)، ۱۳۵۷

عنوان و نام پدید آورنده: داش آکل کوچه های خالی ست دلم!! (مجموعه رباعی) /

حسین کریمی

مشخصات نشر: کرج، آثار برتر، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۶۵ص: ۱۴×۲۱ س م.

شابک: ۶۲۰۵-۳۸-۶۹۴۵-۶۰۰-۹۷۸

وضع، فهرست نویسی: فیپا

موضوع: شعر فارسی. — قرن ۱۴

رده بندی سنگر: ۱۱ ر ۲۱۳۹۱ / ۵ PIR ۸۳۵۸

رده بندی دیویی: ۶۲۰۷۱ فا

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱،۳۴،۱۱

داش آکل کوچه های خالی ست دلم!! (مجموعه رباعی)

حسین کریمی

مدیر هنری و صفحه آرایی: پور کهن دین

ویراستار: دهر سوران

طراح جلد: معین موسوی

انتشارات: آثار برتر

ناشر همکار: شانی

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۶۲۰۰ تومان



مرکز پخش: میدان کرج، انتهای خیابان بیمارستان امام خمینی، مجتمع سوره، پلاک ۱۹

سالار عابدی Salarabdi32@gmail.com

۰۹۱۰۹۴۱۸۴۱۸

## مقدمه سالار عبدی ...

رباعی ، قالب خوبی ست که می تواند از هر حیثی ، در دنیای ادبیات امروز ما ، مفید و کارساز باشد . این را بدین دلیل می گویم که جهان امروز ، جهان شتابناکی ست و اتفاقات و حوادث متعددی در بدمیه ، در حال وقوع هستند و انسان معاصر امروز ، بیش از هر چیز ، در این گریز پایبی و شتابناکی زمان ، به فکر مدیریت وقت و عمر گذرای خود در این ایام اتفاقات سریع السیر است و به تبع آن ، شعر و ادبیات و موسیقی و سایر هنرها نیز ، در این مسیر پر سرعت ، شتاب گرفته اند و دنیای جدیدی از هنر را رقم زده اند که ویژگی های بارز و متفاوت خود را دارد و در شعر امروز می توان ، علاقه به کوتاهی و فشردگی مضمون را در اشعار و فضای کم و مختصر امروز ، حاصل همین پدیده مهم دانست .

بله ! رباعی ، هم دارای فضای کم و مختصری ست و هم از انباشتگی مضمونی و معناپذیری بالایی با توجه به کوتاهی و کوچکی قالبش برخوردار است و من به این جهت ، این قالب را مناسب حال شعر و شعور و احوالات مردمان امروز - البته از جنس ادبیات دوستش - می دانم . قبلا نیز به کرات در نقد و توضیح و تشریح این

قالب شعری و شعرای آن ، به تفصیل سخن گفته ام و در این جا به هیچ عنوان قصد تکرار مکررات گذشته ام را ندارم و فقط می خواهم این را با شما در میان بگذارم که بازار رونق و رواج قالب های کوتاه شری چون رباعی و دوبیتی و قطعات و تغزل کوتاه ، - البته به عقیده راقم این طور - نیز پس از این بیش از گذشته ، مورد استقبال مخاطبان جدی ، غیر جدی ادبیات قرار خواهد گرفت .

حسین کریمی نیز از بدو اینان خوب رباعی امروز است که شاد بختانه اسباب آشنایی و دوستی صمیمانه بنده با ایشان چند وقتی ست فراهم گردیده است و من در این چند سطر ، بخشی از استنباط و یافته هایم از شاعرانگی این دوست شاعرم را با شما در میان خواهم گذاشت . واقعیت این است که حال و روز شعر امروز ما ، بیش از شعر دهه های گذشته ، حول محور تقلید و تکرار و کپی برداری های مضمونی ناجوانمردانه می چرخد که این خصیصه ، فرزند شوم گسترش ارتباطات مجازی ست که در کنار فواید عدیده اش ، چنین مضراتی را هم در پی دارد که موجب تضییع حق و حقوق بسیاری از عزیزان بکر سرای شده است ولی من حسین کریمی را شاعری

مضمون پرداز و نکته سنج و ریز بین می دانم و دلیل این امر ، کار هایی ست که به ظرافت و صرافت از طبع حساس و نکته سنج ایشان داده و خواننده ام و شما عزیزانم نیز در این مجموعه رباعی متفاوت از ایشان به دقت و لذتی وافر خواهید خواند.

این ؛ طبع روایات حبابم را داد  
آن ؛ طبق کتیب هارم پیش از میلاد  
هر وقت به دنبال حرم می گرد  
ناچار خلاصه می شوم در انعام

ذهن و اندیشه دغدغه مند حسین که هم فیلسوفانه ، در پی کشف و ابداع است البته نه کشف و ابداعی از نوع پاسخ ، بلکه وی ، به دنبال کشف و ابداع پرسش هاست ، به بیان دیگر ، شاعر سعی دارد تا بهتر و سلیس تر و شفاف تر بپرسد از مسائلی که شاید در بطن تاریخ ، قرن هاست پرسیده و فلسفیده می شود ولی حسین سعی دارد امروزی تر بپرسد و امروزی تر بیندیشد و حتی امروزی تر

غصه بخورد و این خودخوری و خود سوزی در اشعار ایشان به وضوح و وفور استنباط می گردد .

حاجت بن ، فرزند زمان امروز است و زبان و بیان و کانسپ پذیری اندیشه اش نیز کاملاً سعی دارد امروزی باشد . وی دغدغه هایش را به عنوان یک «ساز» امروز و شاید فردا در ظرف شاعرانگی اش می ریزد و به زیبایی و ظرافت و هنرمندی هر چه تمام تر ، مخاطبش را به نوع و گونه ای دیگر از رسیدن و اندیشیدن در بطن و متن شعر هایش فراخوان می دهد :

ما ؛ مثل دو تا خط موازی بودیم

دل بسته موش و گربه بازی بودیم

فردا .. فردا .. همیشه حق با فرداست

ما ؛ لیلی و مجنون مجازی بودیم

حسین منزوی بزرگ نیز به فکر ساختن اسطوره هایی از جنس

امروز در اشعارش بود و وی نیز به باز تعریف مضمونی و معنایی به

روز ، عقیده ای راسخ داشت که در مطلع غزلی خوش سرود :

دیگر برای دم زدن از عشق ، باید زبانی دیگر اندیشید  
باید کلام دیگری پرداخت ، باید بیانی دیگر اندیشید  
ناکی همان عذرا و وامق ها؟ آن خسته ها ، آن کهنه عاشق ها؟  
باید براء ، این بیابان نیز ، دیوانگانی دیگر اندیشید ....

و این درزی ست که جامعه تغییر یافته امروز را می رنجاند و به  
عقیده من ، شری و ادیبان ما نتوانسته است برای زندگی امروز با  
قواعد و منطق امروز ، بیانی متناسب و ویژه تدارک ببیند که  
نیازمند واکاوی و نقدی مفضّل تر است فقط قصدم این بود که  
حسین کریمی نیز در فکر کاری که ، سال و اندیشه ای از جنس امروز  
برای زندگی های امروزی ست که در یک تک ، داعی هایش ، این به  
روز شدگی ، مشهود می باشد.

از دست تو ای ساده فوق العاده  
یونان دلم به هرج و مرج افتاده  
جمهوریت کدام افلاطونی  
کاینگونه دلم به کودتا تن داده ؟!

حسین کریمی ، شاعر باسواد و با مطالعه ای ست که ادبیات امروز ایران و حتی جهان را خوانده و می شناسد و این امر موجب بسط و تنای و گستره مفهومی خوب اشعارش گردیده است . به عقیده من نیز ، شاعر امروز ، بیش از هر چیزی نیازمند مطالعه فراگیر است و بدون شناخت و مطالعه گسترده و عمقی ، نمی توان شاعر خوبی بود و شعر خوب برود. ولی من نقطه قوت شاعری حسین را در دردمندی واژه ها را اعتراض ، مفاهیم نسبی اش می دانم که با به قول محمد مختاری عزیز ، با چشمی مرکب ، کنه و رویه مکتوم و پنهان ماجرا را می بیند و در شعر ح منعکسش می کند تا مخاطبش را در این کشف و اظهار جدیدش شریک و سهیم کند و در شعر امروز ، برد با شاعرانی ست که تصاویر شاعران با روز تر و عینی تری ارائه می نمایند .

این شهر چقدر خنده دار است رفیق  
هر مسئله داری سر کار است رفیق  
این جا هر کس که آسمانی شده است  
بر دوش پیاده ها سوار است رفیق !!



واقعیت این است که ما نیز در این درد ها و عذاب کشیدن ها شریکیم و سخنان شاعر این مجموعه ، سخت بر جان می نشیند و ناثر مطلوبی بر مخاطبش دارد و به عقیده بنده ، برخی از رباعی های این مجموعه ، قدرت و توان ارسال مثل شدن و دهان به هان چرخ بدن را دارد که حرف دلی دردمند و سری شیدایی است که در جامعه خشن و ناممکن امروز از زبان شاعری حساس و ریزبین بیان شده و گاه پوچ انگاری و خوش باشی خیام را به ذهن متبادر می کند و گاه نیز عشقی امروزی را از دید یک عاشق در موضع ضعف روایت می کند و این موضع ضعف ، شق این اشعار ، چیزی نیست جز بیشتر فهمیدن و عمیق تر غصه کشیدن که کم جرمی هم نیست که مسلخ عشق ، نکویان را به قربانگاه می فرستد و وجه تمایز چنین شاعرانی این است که نمی توانند درد نکشند و هم بگ بسپاری ، چشم ها رو فرو ببندند و ادای انسان های خوش و خره را در بیاورند و این نیز جرم کمی نیست :

جای سر ، علامت سوالی بگذار

جای دل ، طل آشغالی بگذار

جای ، ف کشدار تولد تا مرگ

در حد سه نقطه ، جای خالی بگذار

برای این شاعر خوب و همه عزیزانم در این عرصه ، آرزوی فردا  
هایی شاعرانه تر دارم و شما نوید می دهم که در سال های آتی ،  
نام حسین کریمی را بیشتر و بیشتر در شعر موفق معاصر خواهید  
خواند و شنید .

پاییز ۹۳

سالار عبدی